

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

اشکِ قلم

ای قلم! بریز اشکی، درد دل نمایان کن
زخم های ناسوری، چاره کرده درمان کن
دارو های دیروزی، کهنه گشت و فاسد شد
مرهم جدیدی را، رو نما و اعلان کن
یک نظر به حیوان کن، باهمند در آمیزش
صد دریغ و صد افسوس، بر نثار انسان کن
زانکه اشرف مخلوق، مظهر صفات حق
بر مقام والایش، هم بخند و گریان کن
امر تازه صادر کن، اینچنین بده فرمان
"ای قلم بدست برخیز، سیر چرخ دوران کن"
ای ادیب خوش اqlام، خامه را به جولان کن
با رقیمة نغزی، انقلاب شایان کن
با کلام منظومت، با شعاع موزونت
با سلاح مضمونت، ترک جنس و الوان کن
"بر تساوی انسان، از رجال و هم نسوان
هر قدر که بتوانی، خدمت از دل و جان کن"
قدر زن ندانستند، در جهان انسانی
ظلم ناروا کردند، این خساره جبران کن
هم زن است و هم مادر، هم معلم اول
مهربانی را، قدر دان و شکران کن
زیر پای مادرها، جاودان بهشت حق
خاک پای شان بگیر، سرمه ای به چشمان کن

فرق تاجک و پشتون ، هم هزاره و ازبک
جمله از میان بردار ، این چمن گلستان کن
بریهود و بودایی ، مسلم و مسیحایی
وحدتی نما ایجاد ، خدمتی به ادیان کن
فکر **وحدت** افغان ، از سرت به دور افغن
وحدت بشر اکنون ، زینت هر افغان کن
گر خیال خدمت را ، بر سرت همی داری
مشعل فروزان شو ، اقتداء به مردان کن
آی و مرد میدان شو ، ترک خانه و جا کن
بهر خدمت ممنوع ، جان ما به قربان کن
مجمری شده سوزان ، اشک ما ، سپند عشق
بوی وصل اگر خواهی ، عزم کوی جانان کن
بر نثار اقدامت ، از وفا گلی پاشم
افسر محبت را ، بر سر هر انسان کن
چون قلم شده کم رنگ ، کوته وقت و ، کاغذ تنگ
پرسشی اگر باشد ، نامه ها نگاران کن
جهر و بحثی گر خواهی ، بنده خدمت حاضر
هر کجا که میباشی ، یک اشاره الآن کن
« نعمت » از وفا **گوید** ، روز و شب به فرمانم
باورت اگر ناید ، مُمتحن شو و آن کن